

تخصص‌گرایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۶/۰۱/۱۰

مصطفی رفسنجانی مقدم^۱

مقدمه

تخصصی شدن کارها از لوازم ذاتی رشد علوم می‌باشد؛ لذا برای اینکه علوم توسعه پیدا کنند، نیاز به تخصص‌گرایی در مراکز آموزشی است؛ اما نباید این را دور از نظر داشت که معمولاً کسب تخصص، بدون زمینه جامع یا مقدماتی از علوم مورد نیاز برای دستیابی به آن، مهیا نیست. حوزه‌های علمیه نیز که مسئولیت تبیین و تفسیر معارف و علوم اسلامی از منابع معتبر دینی را به عهده دارند، از این قاعده مستثنی نیستند؛ در قرآن مجید، امر تخصص مورد توجه قرار گرفته، به خصوص تخصص در دین، چنان که می‌فرماید: «چرا از هر گروهی از مؤمنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند، تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهند!» (توبه: ۱۲۲). معنای آیه این است که: برای مؤمنین سایر شهرستان‌های غیرمدینه جایز نیست که همگی به جهاد بروند، چرا از هر شهری یک عده به سوی مدینه الرسول کوچ نمی‌کنند تا در آنجا احکام دین را یاد گرفته و عمل کنند و در مراجعت هموطنان خود را با نشر معارف دین انداز نمایند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۵۰). تعلیم معارف دینی، متخصص شدن در آن را می‌طلبد تا انداز آنان مؤثر و مورد قبول مردم واقع شود. در آیه دیگری آمده است که باید مسئولیت‌ها به اهل آن سپرده شود و در مورد درک مسائل، با اهل آنها منازعه نشود: «و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، آن را شایع می‌سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان (که قدرت تشخیص کافی دارند) بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد» (نساء: ۸۳). منظور از اولی‌الامر در اینجا کسانی هستند که قدرت تشخیص و احاطه کافی به مسائل مختلف دارند و می‌توانند حقایق را از شایعات بی‌اساس و مطالب راستین را از نادرست برای مردم روشن سازند، که در درجه اول پیغمبر و ائمه اطهار (ع) و در درجه بعد دانشمندان هستند که در این گونه مسائل صاحب‌نظرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۰). بحث در مورد تخصص‌گرایی در حوزه، مستلزم نیم‌نگاهی به تاریخچه مراکز علوم دینی است. قدمت اولین مرکز علوم دینی به عصر نزول وحی می‌رسد. از زمان پیامبر (ص) مراکزی برای تعلیم علوم دینی دایر شد که وجود شخصیت پیامبر نقطه مرکزی و مرجع پاسخگوی سؤالات شرعی بود. در عصر ائمه (ع) محور این مراکز، امامان شیعه بودند. تبلیغ معارف، اصلی‌ترین فعالیت مراکز دینی بود (طاهری، ۱۳۹۰: ۵۵). توجه به تخصص‌های دینی در تاریخ امامت، به خوبی مورد توجه بوده است، چنانکه می‌توان از حوزه امام صادق (ع) به عنوان حوزه‌ای تخصصی نام برد که زیر نظر شخص معصوم (ع) اداره می‌شد (کشی، بی تا: ۵۵۴، ح ۴۹۴) جدید بحث تخصص‌گرایی در حوزه‌ها از زمان تأسیس حوزه علمیه قم مورد توجه شیخ عبدالکریم حائری و علمای بزرگ دیگر همچون آیت الله بروجردی بوده است. مرحوم حائری به ضرورت تخصص‌گرایی در علوم حوزوی قائل بوده و می‌فرماید: «هر بابی از ابواب [فقه] یک متخصص نیاز دارد» (اراکی، ۱۳۶۴: ۲۸).

۱. عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی مؤسسه آموزش عالی تابران، مشهد.



تقسیم کار تخصصی و ضرورت تخصص گرای

تقسیم کار در فقه نتیجه تکامل فقه و ضرورت نیازهای نوپدید است که خود نیز سبب بالندگی روزافزون فقه و دیگر علوم حوزوی می‌شود. پیشرفت‌ها و نیازهای متعدد در موضوعات مختلف زندگی و پاسخگو بودن دین پیرامون آن‌ها ضرورت تخصص گرای و اهمیت آن را تداعی می‌کند. «تقسیم کار در علوم، هم معلول تکامل علوم است و هم علت آن؛ یعنی علوم تدریجاً رشد می‌کنند تا می‌رسند به حدی که از عهده یک نفر، تحقیق در همه مسائل آنها ممکن نیست، ناچار باید تقسیم بشود و رشته‌های تخصصی پدیدار شود. پس تقسیم کار و پیدایش رشته‌های تخصصی در یک علم، نتیجه و معلول تکامل علوم و پیشرفت آن علم است. از طرف دیگر، با پیدایش رشته‌های تخصصی و تقسیم کار و تمرکز فکر در مسائل، به خصوص آن رشته تخصصی، پیشرفت بیشتری پیدا می‌کند» (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۴). «احتیاج به تقسیم کار در فقه و به وجود آمدن رشته‌های تخصصی در فقه، از صد سال پیش به این طرف ضرورت پیدا کرده و در وضع موجود، باید فقهای این زمان، جلوی رشد و تکامل فقه را بگیرند و یا تسلیم این پیشنهاد شوند» (همان، بی تا، ج ۲۰: ۱۸۳).

تخصصی شدن در حوزه‌های علمیه

تخصصی شدن علوم حوزوی مسیری پر فراز و نشیب داشته است. از اولین کسانی که با همت بلند خود و با همکاری عده‌ای از متفکران حوزوی دست به اصلاحات زد و «جمعیت منتدی (انجمن) النشر» را به وجود آورد، شیخ محمدرضا مظفر می‌باشد. آنان همچنین با تأسیس مدارسی که با نظام جدید مدیریتی اداره می‌گردیدند، اقدام به آموزش علوم جدید مورد نیاز طلاب هم‌زمان با دانش‌های حوزوی نمودند. تحول دیگری که این جمعیت در سازمان حوزه به آن دست آورد، انتشار دو عنوان مجله و نیز برگزاری کلاس‌هایی بود که به خطبای منابر شیوه‌های صحیح سخنوری و تبلیغ را می‌آموختند. این تحولات در نوع خود تحولی بی نظیر در تاریخ حوزه‌ها به شمار می‌آمدند. محمدحسین کاشف الغطاء و جمعی دیگر از بزرگان حوزه علمیه نجف «جمعیت التحریر الثقافی (فرهنگی)» را تشکیل دادند و مدرسه‌ای را برای جمع کردن بین علوم حوزوی و دانش‌های مورد نیاز جدید تأسیس کردند (اربطیان، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۵). مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه، تخصصی کردن علوم حوزوی را پیشنهاد می‌داد و خود نیز در صدد برآمد تا آموزش زبان و بعضی علوم مورد نیاز را به آموزش‌های حوزه بیفزاید و بدین سان، قلمرو رسالت حوزه را به جز منابر و محافل سنتی، به محیط‌های فکری و علمی جدید و حتی به خارج از ایران گسترش دهد، اما متأسفانه مسائل برون حوزوی مانع این تحول گردید هرچند پس از گذشت چند سال آیت الله بروجردی به موفقیت‌های نسبی در این زمینه دست یافت؛ «ایشان با وسعت نظر فوق‌العاده‌ای که داشت، از مدارس جدید که در آنها علوم طبیعی همراه با تعلیمات دینی تدریس می‌شد حمایت کرد؛ هیأت‌هایی به کشورهای مختلف آفریقا، آسیا و اروپا اعزام کرد و برای تقریب دیدگاه‌های سنی و شیعه، با «الازهر» مصر، مناسبات دوستانه برقرار نمود» (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴: ۳۶). در نتیجه تلاش برخی از آگاهان، حوزه بسیار متحول گشته و امروزه نقش‌هایی که حوزویان ایفا می‌کنند بسیار متنوع و دارای پیچیدگی‌های زیادی شده است. ده‌ها رشته درسی در حوزه‌ها دایر و صدها مرکز آموزشی و پژوهشی تأسیس شده است؛ ده‌ها نشریه تخصصی و غیرتخصصی در حوزه‌های علمیه منتشر می‌شود که هر کدام در زمینه‌ای خاص فعالیت دارند. چندین مرکز تحقیقات کامپیوتری و اطلاع رسانی تأسیس شده که همه در پاسخ به نیازهای حوزه به وجود آمده‌اند. حوزه علمیه‌ای که حدود چهل سال پیش هیچ‌گونه سازمان خاصی نداشت، امروزه مشتمل بر یک نظام منسجم و دارای برنامه است. به عبارت دیگر، نظام سلسله مراتب تصمیم‌گیری و دیوان سالاری کاملاً بر تصمیم‌گیری‌های حوزه سایه افکنده است. امروزه تغییرات محسوسی در نظام آموزشی حوزه بخصوص پس از انقلاب اسلامی به وجود آمده است. البته در این زمینه تلاش افراد آگاه و



متفکر بسیار مؤثر بوده است؛ شهید صدر جزو معدود کسانی بود که سال‌ها قبل ضرورت تجدیدنظر در نظام آموزشی حوزه‌ها را متذکر شد. «شهید صدر به نیکی دریافته بود که اصلاح ساختار حوزه کاری تدریجی و نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و تربیت نیروهای جوان و وارد کردن اندیشه‌ها و علوم جدید در حوزه می‌باشد. در زمینه نظام آموزشی، دگرگونی کتاب‌های درسی، نظارت بر چگونگی تدریس و مراحل آن در حوزه، ایجاد مراکز تحقیقاتی وابسته به حوزه و ارتباط با مراکز علمی جهان را ضروری می‌دانست و در زمینه امور آموزشی حوزوی، خواهان استفاده از مراکز آموزش عالی جدید بود و این امر را نه تنها با شأن دینی و اجتهادی حوزه‌های علمیه مغایر نمی‌دید، بلکه آن را ضرورت اساسی برای بهینه کردن آموزش طلاب و استفاده مطلوب از منابع مادی و انسانی حوزه تلقی می‌نمود. در زمینه متون آموزشی، حساسیت خاصی داشته و نسبت به اصرار بر تداوم تدریس متون قدیمی انتقادات شدیدی داشت. طرح آخرین نظریات علمی در زمینه فقه و اصول و وارد کردن علوم جدید مانند: جامعه‌شناسی، اقتصاد، فلسفه و روش‌شناسی علوم در برنامه درسی حوزه را ضروری می‌دید. البته شهید صدر اصلاحات در ساختار اداری و نظام آموزشی حوزه را با محوریت مرجعیت، مطرح و آن را در "تئوری مرجعیت" عرضه کرده است» (ر.ک: حوزه علمیه در اندیشه شهید صدر: www.rasanews.ir/print/۳۲۵۰۸۸). شهید صدر برای شکوفا ساختن استعداد حوزویان و رونق دادن به دیگر دانش‌ها در حوزه شاگردان خویش را سفارش کرد تا هر یک در رشته ویژه‌ای از دانش‌های اسلامی به تدریس و تحقیق بپردازند و تنها به دانش‌های رایج و رشته‌های سنتی فقه و اصول بسنده نکنند. وی با این حرکت هوشیارانه و دقیق زمینه‌ای را فراهم ساخت که بر اساس آن حوزه همراه درس‌های اصلی در عرصه دانش‌های: تفسیر، حدیث، فلسفه، تاریخ، کلام، اخلاق، سیاست و... توانست متخصصان و صاحب‌نظرانی را پرورش دهد (اسماعیلی، ۱۳۷۶: ۶۶-۳۲). ضرورت آشنایی طلاب با فناوری‌های روز نیز عامل دیگری برای گسترش برخی مؤسسات حوزوی از جمله مؤسسات رایانه‌ای بوده است. به دنبال گسترش رایانه در سطح کشور و استفاده از آن در مراکز علمی و دانشگاهی، حوزه علمیه قم نیز مراکزی را برای آموزش طلاب و نهادینه کردن رایانه در امور مختلف آموزشی و پژوهشی حوزه تأسیس کرد. در حال حاضر چندین مرکز اطلاع‌رسانی رایانه‌ای در حوزه علمیه قم و دیگر حوزه‌های سطح کشور در اختیار محققان و پژوهشگران حوزه قرار دارد. علاوه بر آن، ده‌ها مرکز رایانه‌ای در حوزه علمیه قم و دیگر حوزه‌های سطح کشور در اختیار پژوهشی و تولید لوح‌های فشرده مختلف آموزشی در رشته‌های مختلف علمی، اعم از فقه، اصول، تفسیر، فلسفه و... مشغولند؛ اغلب درس‌های حوزوی، اعم از سطح و خارج فقه و اصول، به صورت لوح فشرده و نیز از طریق اینترنت و برخی درس‌ها در قالب پخش زنده، در اختیار طلاب قرار می‌گیرد. بیشتر مؤسسات پژوهشی به اینترنت وصل بوده و با مراکز مختلف علمی و شبکه‌های جهانی در ارتباط هستند و به تبادل اطلاعات می‌پردازند. همین امر به نوبه خود به سبک آموزش نیز تأثیر گذاشته است (اربطیان، ۱۳۸۵: ۱۹-۱۸). در عصر حاضر این تحولات و سیاست‌گذاری‌ها و گرایش‌های تخصصی، توسط شورای عالی حوزه با نظارت و برنامه‌ریزی و تأیید این شورا انجام می‌گیرد. شورای عالی حوزه، شورایی متشکل از شماری از مدرّسان و بزرگان حوزه علمیه قم که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان در بخش‌های مختلف آموزشی، اخلاقی، تبلیغی و اجتماعی حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های وابسته به آن را بر عهده دارد. این شورا با اهدافی هم چون ایجاد شرایط لازم برای پرورش فقیه، مفسر، متکلم، فیلسوف، خطیب و محقق، در رشته‌های مختلف علوم دینی و تربیت کادر متخصص مورد نیاز حوزه و نظام، تأسیس شده است (ر.ک: www.shorayeali.com).

نمونه‌هایی از تخصص‌گرایی در حوزه‌های علمیه

خالی از فایده نیست تا نمونه‌هایی عینی و مرتبط با بحث تخصص‌گرایی که ناظر بر این نگاه است، ذکر گردد، تا مبین توجه حوزه‌ها و فقها به مبحث تخصص باشد.

تجزی در اجتهاد

تخصص‌گرایی در فقه به معنای ورود تخصصی در یک جزء فقه می‌باشد و همین معنای تجزی در اجتهاد است. تجزی از جزء می‌آید، یعنی پاره کردن و تکه تکه و قسمت نمودن و در اصطلاح کسی را که در بخشی از ابواب فقهی به درجه اجتهاد می‌رسد، مجتهد متجزی گویند (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹: ۱۹۸). اجتهاد متجزی، اجتهادی است که توانایی استنباط حاصل از آن اختصاص به یک یا چند باب از ابواب فقه دارد (همان: ۲۰). اجتهاد متجزی، مقابل اجتهاد مطلق بوده و به معنای توانایی استنباط برخی از احکام شرعی در بعضی از ابواب فقه است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۷۵). تجزی در اجتهاد، به معنای تقسیم کار در بین مجتهدان و فقیهان است، که قطعاً ضرورتی اجتماعی و حیاتی است که با گستره نیازها و پیدایش عرصه‌های نوپدید، روز به روز بدیهی‌تر شده است. فقهای فراوانی به بحث تجزی در اجتهاد، امکان و مشروعیت و حجیت و ضرورت آن پرداخته‌اند (علامه حلی، ۱۳۸۰: ۲۸۳؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۹: ۴۳). اغلب علمای شیعه، تجزی در اجتهاد و حتی تقلید بر همان اساس را روا شمرده‌اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۴۶۴).

تبعیض در تقلید

تبعیض در تقلید به این معنی است که «هرگاه دو مجتهد باشند که یکی از آن دو در عبادات اعلم باشد و دیگری در معاملات، احوط تبعیض در تقلید است و هم‌چنین است هرگاه، یکی از آن دو مجتهد مثلاً در بعضی عبادات اعلم باشد و دیگری در بعض دیگر» (قمی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۱۲). به عبارت دیگر «اگر مجتهدی در بخشی از احکام مانند عبادات و مجتهدی در بخشی دیگر همچون معاملات اعلم باشد بنا بر قول به وجوب تقلید اعلم [که به یک معنی متخصص‌تر است] مورد از موارد وجوب تبعیض در تقلید خواهد بود و مقلد باید در هر بخشی از احکام از مجتهد اعلم در آن بخش تقلید کند» (جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود شاه‌رودی: ۱۴۲۶: ۱۱۷). از آیت الله عبدالکریم حائری نقل شده است: «چه لزومی دارد که مردم در همه مسائل از یک نفر تقلید کنند، بهتر این است که قسمت‌های تخصصی در فقه قرار دهند» (مطهری، بی تا، ج ۲۰: ۱۸۲؛ همان، ۱۳۶۸: ۱۲۳).

اصل اولویت‌بندی در انتخاب علوم

یکی از مسائل مورد توجه در بحث تخصص‌گرایی اولویت‌بندی و اهم و مهم نمودن موضوعات مختلف علمی است. این نکته به خوبی از روایات استفاده می‌شود و بزرگان علم اخلاق نیز به آن تأکید نموده‌اند. یکی از ثمرات توجه به این اصل، فراگیری علوم به نحو تخصصی است و نتیجه آن نیز متخصص‌پروری در علوم می‌باشد. امام علی (ع) در این باره، به دانش پژوهان توصیه می‌کنند که به دنبال فهم و حل مسائلی باشید که دانستن آن‌ها لازم است و جهل در آن‌ها پذیرفتنی نیست (آمدی، بی تا: ۳۹۴، ح ۴۶). در جای دیگر می‌فرماید: دانش‌ها بیشتر از آن‌اند که تو بتوانی همه آنها را بیاموزی و بر آنها احاطه یابی؛ پس باید گلچین کرده و از هر دانشی بهترین‌های آن را برگزینی (همان: ۱۲۰، ح ۲۱۹۸) شهید ثانی نیز می‌گوید: یکی از آداب علم آموزی، اشتغال به موضوعات اهم و به همین ترتیب موضوع اهم دیگر است؛ چرا که عمر انسان نسبت به تمامی علوم، وسعت ندارد، پس ناگزیر باید بهترین علم را اخذ نمود (عاملی (شهید ثانی)، بی تا: ۲۳۲).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اگر چه انسان به صورت طبیعی از تکلیف و برنامه‌گريزان است و تمایل دارد در آزادی کامل به سر برد؛ ولی تجربه نشان می‌دهد که اگر الزام (درونی یا بیرونی) و تکلیفی وجود نداشته باشد، سستی و کاهلی رخ می‌دهد و رشد و پیشرفتی صورت

نمی‌گیرد. تخصصی شدن حوزه‌ها و تخصصی کارکردن طلاب، باعث رشد در علوم اسلامی؛ بلکه علوم انسانی و غیر انسانی همچون طب و پزشکی، ریاضیات و نجوم می‌گردد. البته نکته غیرقابل انکار این است که تخصصی کارکردن، فایده‌های فراوانی دارد؛ لکن دانش پژوه موفق، نباید به برنامه‌های آموزشی مراکز تخصصی اکتفا کند؛ چراکه ظرف زمانی دوره‌های تحصیلی، گنجایش انتقال همه اطلاعات مورد نیاز را به صورت مستقیم ندارد و طلبه باید به منابعی که اساتید به او معرفی می‌کنند، برای رشد و کسب اطلاعات کافی رجوع کند (عالم زاده، ۱۳۸۷: ۱۸۷). نشانه گرایش به تخصص در حوزه‌های علمیه (که روز به روز در حال رشد و توسعه نیز می‌باشد) مراکز تخصصی حوزه علمیه قم، مشهد و اصفهان و دیگر شهرهای ایران و حتی دیگر کشورها است؛ هم چون مرکز آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، دانشگاه باقر العلوم (ع)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مرکز کلامی آیت‌الله سبحانی، مرکز فقهی آیت‌الله فاضل (ره)، مدرسه عالی نواب، جامعه الزهراء (س)، جامعه المصطفی (ص) العالمیه با چندین شعبه در کشورهای مختلف و هزاران طلبه برادر و خواهر خارجی و...، که در رشته‌های گوناگون علوم انسانی- اسلامی اشتغال به تحصیل دارند و یا از آنها فارغ‌التحصیل شده‌اند.

منابع

- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ ق). *کفایة الأصول*، بدون چاپ، قم، نشر مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- آقائوری، حمید (۱۳۹۰). *حوزه و روحانیت در نگاه رهبری* (بیانات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸)، چاپ دوم، قم، چاپخانه نینوا، دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه.
- آمدی، عبدالواحد (۱۴۰۷ ق). *غررالحکم و دررالکلم*، بدون چاپ، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۶). *اصلاح حوزه در نگاه شهید صدر*، مجله حوزه، فروردین و اردیبهشت - خرداد و تیر ۱۳۷۶، شماره ۷۹ و ۸۰.
- اشتهاردی، علی پناه (مرداد و شهریور ۶۸). *تخصّص*، مجله حوزه، سال ششم، ش ۳.
- انصاری زاده، حسن (زمستان ۱۳۷۵). *ضرورت تخصصی شدن علوم حوزوی و امتیازات و کاستی‌ها*، مجله پیام حوزه، سال سوم، ش ۴، صص ۲۲۱-۲۱۹.
- محمد تهرانی، محمد (۱۳۷۵). *بررسی نظام آموزشی حوزه*، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر سیدمحمد هاشمی (۱۴۲۶ ق). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام*، چاپ اول، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد (بی تا). *الفقه، الإدارة، بدون چاپ، بی جا*.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۵). *گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد*، چاپ اول، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا (علیه السلام).
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۶). *شیوه‌های تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیه*، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- شیرخانی، علی و زارع، عباس (۱۳۸۴). *تحولات حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی*، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- طاهری، سیده حوریه (آذر و دی ۹۰). *سیب سرخ تخصّص*، ماهنامه فرهنگی، اجتماعی حاشیه، قم، شماره ۲.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- عالمزاده نوری، محمد (۱۳۸۷). *راه و رسم طلبگی*، چاپ اول، قم، انتشارات ولایت.
- عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی (۱۴۱۹ق). *ذکر الشیعة فی احکام الشریعة*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (بی تا). *منیة المرید فی أدب المفید و المستفید*، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۰). *تهذیب الوصول الی علم الأصول*، چاپ اول، لندن، نشر موسسه الامام علی علیه السلام.
- علم الهدی، منصور (۱۳۸۰). *در آمدی بر شناخت حوزه و روحانیت*، چاپ دوم، قم، انتشارات نصایح.
- عمید، حسن (۱۳۷۱). *فرهنگ عمید*، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- قمی، شیخ عباس (۱۴۲۳ق). *الغایة القصوی فی ترجمه العروة الوثقی*، چاپ اول، قم، منشورات صبح پیروزی.
- کشای، ابوعمرو محمدبن عمر (بی تا). *رجال الکشی* (مع تعلیقات المیرداماد)، چاپ اول، قم، نشر موسسه آل البیت علیهم السلام.
- گروه اصطلاح نامه اصول فقه (۱۳۸۷). *اصطلاح نامه اصول فقه*، چاپ اول، قم، نشر مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). *فرهنگ نامه اصول فقه*، چاپ اول، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی (۱۳۷۵). *تاملی در نظام آموزشی حوزه*، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مصاحبه با آیت الله اراکی، *مجله حوزه* (دی ماه ۱۳۶۴). ش ۱۲.
- مصاحبه با آیت الله فیاض، *مجله حوزه* (آبان ماه ۱۳۶۵). ش ۱۸.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). *مباحثی در باره حوزه*، چاپ پنجم، قم، نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *ده گفتار*، چاپ پنجم، قم، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (بی تا). *فقه و حقوق* (مجموعه آثار)، جلد ۲۰، چاپ اول، قم، انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، چاپ ۳۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹). *فرهنگ اصطلاحات اصول*، چاپ اول، قم، نشر عالمه.
- معین، محمد (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی*، چاپ ششم، تهران، نشر امیر کبیر.
- نوابی، علی اکبر (بهار و تابستان ۱۳۹۰). *الزامهای تخصص گرای در حوزه های علمیه*، مجله حوزه، ش ۱۵۹.